

بررسی روابط تجاری ایران و هلند در دوره های صفویه و افشاریه در خلیج فارس

دکتر بهادر قیم*
امیر رضوان تبار**

چکیده

خلیج فارس و نواحی پس کرانه ای آن، به خاطر موقعیت جغرافیایی خاصی که دارد همواره مورد توجه قدرتهای استعماری بوده است. تشکیل دولت صفویه مصادف شد با حضور پرتغالی ها و ناوگان نظامی و دریایی آن ها در خلیج فارس و اقیانوس هند. شاهان صفوی به علل گوناگون از جمله رقابت با عثمانی، در ابتدا توجه جدی به امور خلیج فارس نداشتند اما با به قدرت رسیدن شاه عباس اول و اخراج پرتغالی ها از جزیره هرمز و انتقال مرکز تجاری و بازرگانی به بندرعباس، شرکت های تجاری و کمپانی های هند شرقی انگلیس و هلند نقش ویژه ای در تجارت دریایی خلیج فارس ایفا نمودند. هلندی ها در سال های پایانی سلسله صفویه و در دوران افشاریه قدرت برتر تجاری منطقه بودند و برتری مشهودی نسبت به دیگر رقیبشان انگلیس داشتند، و توانستند امتیازات مهم تجاری قابل ملاحظه ای از شاهان صفوی بگیرند و تجارت ابریشم ایران را در قرن هفدهم میلادی در اختیار خود بگیرند. در این نوشتار ورود هلندی ها به خلیج فارس و روابط تجاری آن ها با ایران در دوره صفویه و افشاریه بررسی می شود.

کلید واژه ها: هلند، ایران، خلیج فارس، صفویه، افشاریه، روابط تجاری.

* استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز / ghayem.b@scu.ac.ir

** کارشناس ارشد تاریخ شهید چمران اهواز

مقدمه:

خلیج فارس به عنوان یک آبراه و قطب تجاری اقتصادی همواره مورد توجه کشورهای بزرگ منطقه و ماورای آن بوده است و مناطق حاشیه‌ای و شهرها و بنادر آن از راه کنشیرانی و دریانوردی با یکدیگر و دیگر ملت‌ها داد و ستد تجاری داشته‌اند. قرن هفدهم میلادی بر خلاف قرن شانزدهم شاهد رشد و ترقی بی نظیری در زمینه تجارت در سطح جهان بود. همزمان با ظهور شاه عباس اول در ایران رقبای قدرتمندی در عرصه بازرگانی جهان در برابر پرتغالیها پیدا شدند که عملاً به انحصار تجارت دریایی پرتغالی‌ها در خلیج فارس پایان دادند و جانشین آن در تجارت دریایی در دوره صفویه شدند. قرن هفدهم و هیجدهم کانون چالش و درگیری دو شرکت کمپانی هند شرقی هلند و انگلیس شده بود. هلندی‌ها در سال ۱۶۰۷م پس از ورود به خلیج فارس با اهدافی همچون کنترل مستقیم و بلاواسطه تجارت خلیج فارس و دریای عمان با هند و شرق و غرب و تضعیف جوامع تجاری و دریانوردی منطقه کار خود را شروع کردند. هلندی‌ها از اتحاد ایران و عثمانی به خصوص در عهد شاه عباس اول ناراضی بودند. آنها فضای دشمنی و نیز بی اعتمادی را بین ایران و عثمانی دامن زدند و از اتحاد آنها جلوگیری کردند و باعث تجدید اختلافات این دو کشور اسلامی و به هدر رفتن سرمایه‌های آنان شدند. هلندی‌ها از طریق رشوه دادن و همچنین سیاستهای نمایندگانشان توانستند امتیازات تجاری مهمی در دوره های صفویه و افشاریه کسب کنند. از جمله قراردادی که در سال ۱۶۲۳م با شاه عباس اول بستند و انحصار تجارت در خلیج فارس را در اختیار گرفتند شرح فتوحات هلندی‌ها در مشرق زمین و توسعه نفوذ و اقتدار ایشان در هندوستان و جزایر هند شرقی از موضوع بحث این مقاله خارج است. در این نوشتار به روابط تجاری این کشور اروپایی با ایران در خلیج فارس پرداخته می‌شود.

ورود هلندی‌ها به خلیج فارس و اقیانوس هند:

پرتغالی‌ها پس از ۱۵۰ سال حضور در خلیج فارس در اثر شکست از نیروهای ایران در جزیره هرمز و اخراج از مسقط سلطه بر منطقه را از دست دادند. پس از زوال اقتدار و تسلط پرتغالی‌ها سایر دول اروپایی بر شدت رقابت برای تسلط و برتری بر کشورهای حوزه خلیج فارس افزودند. هلند یکی از دولی بود که در این دوره بدنبال گسترش نفوذ خویش برآمد و موفقیت زیادی نیز کسب نمود. هلندی‌ها در اواخر قرن شانزدهم اطلاعاتی راجع به شرق بدست آوردند و وارد عرصه تجارت هند شرقی شدند. مدتها قبل از سال ۱۵۹۵م هلندی‌ها رابطه تجاری غیر مستقیمی از راه « لیسبون » با هندوستان و مشرق داشتند ولی در آن اوقات هلند جزو مملکات اسپانی بود و فیلیپ دوم بقصد معدوم ساختن تجارت آن مملکت کشتی‌های هلندی‌ها را در آبهای اسپانی توقیف نمود و هر گونه روابط تجاری را بین مملکتین قدغن کرد. سیاست اصلی فیلیپ این بود که مراوده هلندی‌ها را با مستملکات پرتغال در مشرق قطع نماید لیکن این سخت‌گیریها به هیچ وجه از عشق و علاقه مفرط هلندی‌ها به مسافرت نکاست و چون از منافع هنگفت پرتغالی‌ها در مشرق و مخصوصاً از فواید تجارت ادویه اطلاع داشتند در صدد برآمدند که خود مستقماً با ممالک شرقی روابط تجاری برقرار نمایند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۸۱). نخستین هلندی که رو مشرق نهاد فردی بود به نام ژان هویگن لیشوتن از مردم شهر هارلم که در سال ۱۵۸۳/۹۹۱ ق به هند سفر کرد. تا حدود سال ۱۵۹۲/۱۰۰۱ ق

در آن سرزمین به کسب اطلاعات لازم پرداخت و مجموعه اطلاعات خود را در هلند منتشر ساخت و کتابی هم با جدولها و نقشه‌ها برای راهنمایی ملاحان هلندی در خصوص راههای دریایی بین هلند و هند و جزایر و بنادر و بادها و بارانها و سواحل این دریاها نوشت. کمی بعد از بازگشت وی، کرنلیس همومن از طرف بازرگانان آمستردام جهت کسب اطلاعات به لیسبون گسیل گشت. او که خود چند بار هند رفته بود، پس از مراجعت به لیسبون در سال ۹-۱۵۹۸م/۱۰۰۷ ق به فرماندهی یک کاروان از کشتیهای تجارتهای « وراى دماغه امپدینیک » رفت. هر چند سفر این بازرگان چندان موفقیت آمیز نبود، ولی از آن پس هلندیها بارها به هند رفتند و بر اثر این کوششها، در سال ۱۵۹۷م/۶-۱۰۰۵ ق شرکت بزرگی به نام « شرکت تجارت با کشورهای دوردست » ایجاد کردند و این شرکت در سال ۱۶۰۲ / ۱۱-۱۰۱۰ ق از طرف دولت هند به « شرکت هند شرقی هلند » تبدیل شد و اختیارات وسیعی بدان واگذار گردید (نوبی، ۱۳۷۵:۲۷۳). هلندیها که در پی استعمار و گسترش سلطه خود بر تجارت غرب با شرق بودند، آشکارا جنگ را تنها راه حل میدانستند. نکته جالب اینکه هلندیها برای حذف پرتغالیها از صحنه تجارت خلیج فارس و اقیانوس هند به شرایط حاکم بر این منطقه در دوره پیش از پرتغالیها عبارت بود از تجارت آزاد و دریانوردی آزاد برای همه تکیه کردند (اسدیور، ۱۳۸۷:۷۹). در سال ۱۶۰۱م/۹۸۲ ق کشتیهای هلندی با ناوگان پرتغالیها در اقیانوس هند به نبرد پرداخته و آنها را شکست دادند و خود را به جزایر هند شرقی یا اندونزی امروزی رساندند. آنها به تدریج جاوه و سوماترا را متصرف شدند (الهی، ۱۳۸۶:۲۱۵). در این سال یکی از کشتیهای پرتغالی حامل ابریشم به چنگ هلندیها افتاد. فروش ابریشمهای غنیمتی سود کلانی عاید تجار سود جوی هلند ساخت و آنها مشتاق تجارت با ایران به هوای ابریشم هند (نوبی، ۱۳۷۵:۲۷۴). هلندیها پس از تحکیم موفقیت خود در تجارت مشرق ناگهان برای رقابت با انگلیسیها قیمت فلفل را ترقی دادند و قیمت آن را از « پوندی » سه شلینگ به هشت شلینگ بالا بردند. این اقدام با آنکه فی النفسه دارای اهمیت زیاد نبود معذک در تاریخ روابط تجارتهای شرق مهم و قابل توجه می‌باشد زیرا در اثر همین اقدام تجار لندن بجنب و جوش افتاده در صدد حمایت از تجارت خویش برآمدند. و بالتجربه کمپانی هند شرقی انگلیس تشکیل گردید (ویلسن، ۱۳۶۶:۱۸۳).

روابط ایران و هلند در دوره صفویه:

در هنگام ورود هلندیها به خلیج فارس منطقه آبستن حوادث جدیدی بود. در این زمان شاه عباس اول برای برقراری حاکمیت ایران بر سواحل و جزایر خلیج فارس در پی یافتن متحدانی بود که بتواند وی را در جنگ علیه اشغالگران پرتغالی یاری دهد. پس از آنکه شاه عباس اول در سال ۱۶۲۲م/۱۰۳۱ ق میلادی جزیره هرمز را از تصرف پرتغالیها خارج ساخت و بندر عباس مرکز تجارت خلیج فارس شد بازرگانان هلندی نیز به این بندر راه یافتند و از سال ۱۰۳۲ هجری در آنجا تجارتخانه‌ای تأسیس کردند. بهانه ورود ایشان به خلیج فارس و مشارکت در تجارت با ایران آن بود که هنگام زد و خورد قوای انگلستان و پرتغال به یاری قوای انگلیس و ایران برخاسته بودند. هلندیها پس از آنکه در بندر عباس مستقر شدند از شاه عباس اجازه خواستند که در کار تجارت ابریشم ایران شرکت کنند. شاه ایران چون در آن زمان با دولت عثمانی در جنگ بود با ایشان از در موافقت درآمد. به موجب قراردادی که میان ایران و شرکت هند شرقی

هلند بسته شد، مقرر گردید کشتی‌های آن شرکت امتعه و اجناس را که به ایران می‌آوردند در انبارهای خاص شاهی خالی کنند و معادل ارزش اجناسی که از ایشان خریده می‌شود، از محصولات ایران مانند ابریشم و پارچه‌های زربفت صادر کنند. لیکن این طریق به حال شرکت هلندی مفید نیفتاد، چه عمال شاه اغلب از قیمت اجناس آن شرکت می‌کاستند و بر بهای محصولات ایران، که فروش بیشتر آنها منحصر به شخص شاه بود، می‌افزودند و این امر پیوسته مایه بروز اختلاف و شکایت بود. (مه‌دوی، ۱۳۵۵: ۲۳۸). هلندی‌ها پس از آنکه در کار بازرگانی با ایران شریک شدند با شرکت هند شرقی انگلیس به رقابت پرداختند و کار تجارت خلیج فارس را بر بازرگانان انگلیسی دشوار کردند. دولت هلند، با ایجاد یک مرکز بازرگانی و تجارتی در خلیج فارس و اعزام نماینده به دربار صفوی خواستار برقراری روابط دو جانبه شد. برای این امر، جان پیترز کوئن حکمران باتاویا یکی از بازرگانان را مأموریت داد تا برای تأسیس شعبه کمپانی و اجازه تأسیس دارالتجاره برای هلندیان به دربار ایران برود. این بازرگان که ویس نیخ نام داشت ۲۶ ساله بود و در امور تجارتی با ممالک شرق مدیترانه تجربه فراوان داشت و چون یش از این مدتی در شهر حلب می‌زیست زبان عربی و احتمالاً ترکی را که زبان رایج آن روز در خاور نزدیک و شرق میانه من جمله دربار صفویه بود. به خوبی می‌دانست. روز ۲۰ ژوئن سال ۱۶۳۳ م/ ۲۲ شعبان ۱۰۳۲ ق ویس نیخ، با کشتی موسوم به فان هاسدن وارد هرمز شد که بر اثر ضایعات ناشی از جنگ به صورت ویرانه‌ای در آمده بود اما به مناسبت ویران شدن هرمز، مراکز تجارتی به بندرعباس منتقل شده بود (نوایی، ۱۳۷۵: ۲۷۵). ویس نیخ خواستار شد که به حضور شاه عباس بار یابد و چون در آن روزگار انگلیسی‌ها، به مناسبت کمکشان به ایران و غلبه ایشان بر پرتغالی‌ها و تصرف هرمز، سخت مغرور شده بود و هر لحظه امتیازات بیشتری از دولت ایران می‌خواستند، شاه عباس هلندی‌ها را به گرمی پذیرفت. سرانجام ویس نیخ متنی را که به عنوان قرارداد تجاری ایران و هلند تنظیم کرده بود تقدیم داشت و دربار ایران پس از اصلاحاتی آن را مورد تأیید قرار داد. این موافقتنامه در ۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ م ۱۰۳۳ ق به مهر و امضاء شاه عباس رسید و شاه عباس در ذیل هر ماده نظرات خویش را به صورت موجز یا مفصل اظهار داشت (همان: ۲۷۴).

این قرارداد که ۲۳ ماده دارد در زیر به برخی از مهمترین مفاد آن اشاره می‌شود:

- ۱- معافیت از حقوق گمرکی و تسهیلات
- ۲- تأمین مسکن، محل تجارت، انبار و ... هلندی‌ها
- ۳- مصونیت آنها از هر گونه خطر
- ۴- آزاد گذاشتن هلندی‌ها برای ساخت کلیسا در اصفهان، بندرعباس
- ۵- آزادی تجار هلندی در خرید و فروش همه نوع جنس
- ۶- آزادی هلندی‌ها برای مسافرت با هر گونه دارایی و ممنوع بودن ضبط و یا توقیف اموال آنان
- ۷- مجاز بودن هلندی‌ها برای اعمال شاخص وزن و اندازه ی کشور خود در امر خرید و فروش
- ۸- اختصاص اموال متوفیان هلندی ساکن در ایران به اتباع ذی نفع همان کشور
- ۹- مجاز بودن اتباع هلندی برای خرید یا کرایه ی شتر، قاطرها و همچنین خروج آنها از ایران
- ۱۰- مجاز نبودن مقامات قضایی دولت صفوی برای ورود به اقامتگاه هلندی‌های ساکن ایران
- ۱۱- تعهد ایران مبنی بر پرداخت غرامت اموال به سرقت رفته ی هلندی‌های در ایران و یا یافتن آنها

- ۱۲- فراهم شدن زمینه ی خرید بنده و زرخیدی پیروان دینی عیسی، ساکن در ایران برای هلندی ها
- ۱۳- توقیف اموال اتباع هلندی پیرو دین اسلام
- ۱۴- محاکمه ی اتباع هلندی ضارب یا قاتل توسط مقامات آن کشور
- ۱۵- بهره مند بودن افراد وابسته به شرکت هند شرقی هلند از حقوق اتباع آن دولت
- ۱۶- اختصاص دادن اموال کشتی های هلندی غرق شده در دریا به صاحبان اموال
- ۱۷- معاف شدن کشتی های هلند و اجناس هلندی از حقوق راهداری و گمرکی (رمضانی، ۱۳۸۶: ۴۴).
- نکته قابل توجه اینکه در ماده ۲۳ قرارداد پیش بینی ورود سفیری تازه شده که «از جانب شورای ایالات والا حضرت شاهزاده هلند» به ایران خواهد آمد تا امتیازات و مزایایی همانند آنچه در قرارداد مکتوب منظور شده تقاضا کند و اظهار امیدواری به عمل آمده که «اعلیحضرت با درخواستهای او موافقت خواهند کرد» علت افزایش این ماده به قرارداد این بود که ویس نیخ هیچ گونه اعتبارنامه یا توصیه و معرفی نامه ای از دولت هلند در دست نداشت و شاه عباس که از این امر شگفت زده بود اظهار تمایل کرد که با نماینده رسمی دولت هلند طرف مذاکره شود و مواد قرارداد به وسیله دولت هلند تضمین و تایید گردد (نویایی، ۱۳۷۷: ۱۶۳).
- ویس نیخ پس از عقد قرارداد و تأسیس شعبه کمپانی، محموله کشتی فان هاسدن را بدین شرح تخلیه کرد. (نویایی، ۱۳۷۵: ۲۷۵)

مقدار، اندازه	نوع جنس
۱۶۰۰۰ پوند	میخک
۱۰۰۰۰ پوند	جوز هندی
۵۲ پیکول	حسن لبه (بنزوئین) مرغوب
۵۰ پیکول	حسن لبه (بنزوئین) متوسط
۴۷۳ کاتی	مشک
۲۰ پیکول	چوب صندل
۲ توپ	پارچه قرمز
۲ صندوق	عمامه و کمر بند و قماش بافت دکن
۴ قبضه	تفنگ کنده کاری شده مطلا
۴ قبضه	طباچه کنده کاری شده مطلا
۲۹۰۰۰ عدد	سکه رئال اسپانیولی

صادرات ایران در عوض محصولات وارد شده از هلند بسیار کم و شامل پول نقد، مسکوک طلا، سنگ نمک و خاک سرخ، پشم کرمان، خرما، مروارید، سنگهای قیمتی، روماس، و انگور بود. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۴).

نفوذ شرکت هند شرقی هلند در خلیج فارس و محکم شدن جای پای سردمداران آن در اثر انعقاد قرارداد ۱۶۲۳ میلادی، شاه عباس را بر آن داشت که سفیری به نام «موسی بیگ» را به هلند اعزام کند. و از سران آنها برای دو کار مهم یاری بطلبید. نخست: قطع رابطه ی هلند با عثمانی ها و اتحاد با ایران بر ضد آن دولت؛ دوم: همکاری با ایران در مقابله با پرتغالی ها، به منظور باز پس گیری دو جزیره مسقط و

لارک (رمضانی، ۱۳۸۶: ۴۴).

تصمیم شاه عباس غیر مترقبه بود به حدی که ویس نیخ نیز شگفت زده شده بود. ظاهراً این تصمیم ناگهانی و شتابزده نتیجه سخنان فان هاسلت هلندی نقاش مقیم دربار شهریار صفوی بود و او مسلماً درباره هلند و قدرت تجاری و عظمت ناوگان آن کشور چندان در گوش شاه خوانده بود که وی ناگهان تصمیم گرفت که سفیری منحصرأ به کشور هلند اعزام دارد. بدون تردید شاه عباس در آروزی استفاده از ناوگان عظیم هلند و امید به همکاری آن کشور در کوتاه کردن دست انگلیسی‌ها، دست به چنین اقدامی زده بود. اما دولت هلند بدین امر راضی نبود و وقتی ویس نیخ در گزارش خود، اولیای شرکت را از اقدامات شهریار ایران آگاه نمود، آنها شدیداً به ویس نیخ اعتراض کردند و ویس نیخ جواب داد که به هیچ وجه اطلاعی از این امر نداشته و تصمیم شاه ناگهانی و غیر منتظره بوده است (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

موسی بیک که حامل نامه شاه و پیشنهاد فوق بود، همراه با هدایای ارزشمند به هلند رفت. هلندی‌ها به خواسته‌های دولت ایران توجه نکردند، و با سفیر ایران رفتار غیر دوستانه و سردی داشتند. آنچه موجب این رفتار غیر دوستانه و سرد و زنده شده بود، دلایل مختلف داشت. یکی این بود که هلند حاضر نبود به روابطش با دولت عثمانی خللی وارد شود و دیگر اینکه هلندی‌ها می‌خواستند هر چه زودتر موسی بیک از هلند برود. زیرا پرداخت مخارج وی هلندی‌ها را سخت ناراحت کرده بود (نوایی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). در رأس همه علل نارضایتی هلندی‌ها از سفیر ایران، خست و امساک هلندی‌ها بود، زیرا هلندی‌ها آنچه می‌خواستند بر طبق قراردادهای تجاری به دست آورده بودند و دیگر لزومی به مخارج بیهوده جهت پذیرایی سفیر و متقابلاً اعزام نمی‌دیدند. جنبه دیگر عدم رضایت هلندی‌ها این بود که سفیر ایران صد عدل ابریشم متعلق به پادشاه ایران را به همراه داشت تا در بازارهای هلند بفروشد. و این امر گذشته از آنکه بازار هلند را دچار اختلال و ناموزون می‌ساخت، موجب می‌شد که سفیر ایران از راز و رمز تجار هلندی و زیر و بم کارهای آنان و خاصه از سود سرشاری که از این راه حاصل می‌کردند آگاه شود. بدین جهت ویس نیخ را شدیداً ملامت نمودند (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

پس از مرگ شاه عباس به سال ۱۶۲۹ م / ۱۰۳۸ ق شاه صفی به سلطنت رسید. در دوران وی روند تجارت و بازرگانی خلیج فارس در واقع تداوم روند دوران شاه عباس اول بود.

در دوران شاه صفی موقعیت هلندی‌ها باز هم بهبود بیشتری یافت. زیرا در این دوره طبق رسوم ایران، ادامه قرارداد تجاری منوط به امضاء قرارداد توسط شاه جدید بود که هلندی‌ها در این زمینه در مقابل رقیب دیگرشان انگلیسی‌ها توانستند موفقیت بیشتری کسب کنند. هلندی‌ها موقع را مغتنم شمرده و بوسیله رشوه دادن و گران خریدن اجناس ایرانی تلاش می‌کردند که انگلیسی‌ها را از پایگاه دریایی خود در خلیج فارس بیرون نمایند. در این اثنا هلندی‌ها توانستند قرارداد تجاری خود را توسط جانشین ویس نیخ تجدید کنند. به جای ویس نیخ هلندی دیگری بنام دکورت به ایران آمد و او نیز توفیق یافت قرارداد ۱۶۲۳ را جدید کند با تجدید این قرارداد هلندی‌ها آزادی بیشتری برای تجارت یافتند. ولی نتوانسته از حقوق و عوارض گمرکی معاف شوند. هلندی‌ها به زودی در بندر عباس مستقر شدند و دارالتجاره تأسیس کردند و در سال ۱۶۳۸ م / ۱۰۴۸ ق انحصار تجارت ادویه را به دست گرفتند و اندک اندک در خلیج فارس مالک الرقاب شدند و حمل کلیه کالاهای تجاری به بندر عباس را به کشتی‌های خود اختصاص دادند (نوایی، ۱۳۷۵: ۲۹۲).

در عهد شاه صفی، هلندی‌ها توانستند بر رقیب خود یعنی انگلستان در عرصه تجارت ایران و خلیج فارس پیشی گیرند. آنها نه تنها عرصه را بر شرکت کمپانی هند شرقی انگلیس و بازرگانان خصوصی آن کشور تنگ کردند، بلکه حتی از حضور عناصر تجاری اروپایی و غیر اروپایی دیگر نیز جلوگیری کردند. که به عنوان نمونه می‌توان به ممانعت هلندی‌ها از موفقیت سفارت «دوک هولشتان» آلمان در زمینه خرید ابریشم در ایران اشاره کرد.

«آنها با افزایش قیمت خرید ابریشم در هر عدل از ۴۲ تومان به ۵۰ تومان، موجبات شکست سفارت دوک هولشتاین را فراهم کردند و پس از خروج آنها قیمت خرید را به ۲۴ تومان کاهش دادند» (نوابی، ۱۳۷۷: ۱۷۶). هلندی‌ها مصمم گردیدند که بهر وسیله که ممکن باشد موقعیت خود را در ایران تحکیم کرده و نفوذ و تسلط خویش را در آنجا مستقر سازند. هلندی‌ها تا آن وقت به وسیله رشوه و پیشکش موفق شده بودند سهمی از تجارت ایران بدست آورند. لیکن در سنه ۱۶۴۵ م برای آنکه ایرانیها را مجبور ساخته و حق تجاری انحصاری را به خود اختصاص دهند، متوسل به زور و قوه قهریه گردیدند و این همان وسیله ای بود که عمال انگلیسی هم مکرر برای پیشرفت مقاصد خویش آن را به امنای کمپانی پیشنهاد کرده بودند و مورد قبول نیافته بود. بدین جهت هلندی‌ها قوه قهریه کاملی در خلیج فارس حاضر کرده و در پاییز ۱۶۴۵ م به حصار و قلعه جزیره قشم حمله نمودند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۸۹).

پادشاه صفوی چون نیروی دریایی نداشت تسلیم شد و شروع مذاکرات را درخواست کرد. فرمانده نیروی هلندی، «نیکلا بلک» فوراً به اصفهان رفت و قرارداد جدید بست که به موجب آن به بازرگانان هلندی اجازه داده شد ابریشم را به هر قیمتی در هر گوشه ایران بخرند و بدون پرداخت گمرکی از ایران خارج کنند (نوابی، ۱۳۷۵: ۲۹۷).

این امتیاز نه تنها بر نفوذ هلندی‌ها در بازرگانی خلیج فارس افزود بلکه به سیاست تجاری انگلیس که برای تقویت خود در ایران و سواحل عربستان به عملیاتی دست زده بود، ضرب مهلکی آورد.

هلندی‌ها که از سال ۱۶۴۰ میلادی به بعد به مدت سی سال حاکم بلامنازع در تجارت و بازرگانی خلیج فارس بودند، توانستند انگلیسی‌ها را نیز در تجارت و دریانوردی خلیج فارس شکست بدهند و آنها را نیز منزوی سازند. هلندی‌ها حتی تجارتخانه انگلیسی‌ها در بصره را نیز بمباران کردند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۸۳).

در اواسط قرن هفدهم این هلندی‌ها بودند که بر تجارت خلیج فارس تسلط داشتند. به قول ج.ب. تاورنیه سیاح معروف فرانسوی که در سال ۱۶۵۲ م از بندر عباس دیدن کرد، هلندی‌ها بیش از ۷۰۰ تن فلفل از متصرفات شرقی خود را در این منطقه می‌فروختند و بیش از ۱۲۰/۰۰۰ پوند از داد و ستد ابریشم، که در آن روزها مبلغ هنگفتی بود، درآمد داشتند. بدین ترتیب دفاتر تجاری کمپانی هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس مبالغ زیادی بیش از ۸۵۰۰۰ پوند در سال ۱۶۵۴ متضرر شدند (بوندارفسکی، ۱۳۶۱: ۴۴).

مبارزه شدید بین انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بر سر سیادت بر دریاها و بازارهای شرق منجر به دو جنگ یکی در سال ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۴ میلادی و دیگری از سال ۱۶۶۵ تا ۱۶۶۷ میلادی شد. این جنگها نه تنها در اروپا بلکه در آسیا و به ویژه در خلیج فارس نیز شعله ور گردید. هر دو طرف، کشورهای منطقه را نیز در گیر جنگ کردند و این امر به توسعه اقتصادی این کشورها صدمات زیادی وارد کرد (نوابی، ۱۳۷۷: ۱۷۸). در همین زمان قانونی در انگلستان موسوم به فرمان کشتی رانی (Navigation Act) به تصویب

رسید که به موجب آن حمل کالاهای آسیا و آمریکا به اروپا تنها با کشتی های انگلیسی مجاز شده بود (سیوری، ۱۳۸۷: ۸۴).

هلندی ها که این فرمان را مغایر منافع خویش می دیدند زیر بار نرفتند و به مبارزه برخاستند و جنگ بین ناوگان انگلیسی-ها و هلندی ها در گرفت، ولی در سال ۱۶۵۴م/ ۱۰۶۴ق نیروی دریایی هلند به ناچار خواستار صلح شد و در جزو قبول شرایط مختلف، ۸۵ هزار لیبره انگلیسی نیز به شرکت انگلیسی هند شرقی گرامت پرداخت (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

در زمان سلطنت «شاه سلیمان» سفیری به نام «فون لینی» به ایران آمده و در زمینه تجارت ابریشم موفق به دریافت امتیازاتی شد (قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱). شاه سلیمان در سال ۱۶۸۹م/ ۱۰۶۸ق تحت فشار کمپانی هند شرقی هلند فرمانی صادر کرد که به موجب آن تخفیف کلی در بهای فروش ابریشم به هلند در نظر گرفته شد. (الهی، ۱۳۸۶: ۲۱۸)

در اواخر دوره صفوی هلندی ها به تدریج موقعیت خود را در خلیج فارس به نفع انگلیسی ها از دست دادند. اگر چه نفوذ هلندی ها در خلیج فارس و اقیانوس هند طی آخرین ربع قرن هفدهم میلادی (اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری قمری) کاهش یافت. کمپانی هند شرقی هلند همه امید خود را برای حفظ موقعیت تجاری ممتازش از دست نداد و در ۱۷۱۷م/ ۱۱۲۹ق هیأتی را به ریاست جان جاشوا کتلاز که از مقامات بلند پایه کمپانی بود به ایران فرستاد. در پایان ماه مه ۱۷۱۷م/ جب ۱۱۲۹ق هیت کتلاز با شش فیل که هدیه ای برای شاه بود، به اصفهان رسید. کتلاز پس از مذاکرات طولانی با وزیر شاه سلطان حسین، فتحعلی داغستانی، موفق شد بسیاری از امتیازات تجاری هلندی ها را تجدید کند (سیوری، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

در آغاز قرن هجدهم میلادی انگلیسی ها پس از بازسازی و تجربه قوا، دوباره به امور خلیج فارس توجه جدی نمودند و خواهان ایفای نقش مهم در آن شدند. هلندی ها در آغاز قرن هجدهم دچار ضعف و انحطاط شدند و رفته رفته امکان رقابت با انگلیس را از دست دادند. به هر اندازه که به پایان دوره حکومت صفوی نزدیک می شویم، شاهد اوج گیری قدرت سیاسی، بازرگانی، نظامی انگلیس در خلیج فارس و عقب نشینی هلندی ها هستیم.

روابط ایران و هلند در دوره افشاریه:

نادر شاه که پس از اخراج بیگانگان و آزاد سازی کشور از سلطه ی اشغالگران، به طور عملی جانشین صفویه شده و پس از اجلاس مغان به تخت سلطنت ایران رسیده بود، جایگاه مهم و حساسی را در گفتمان خویش به تجارت و از جمله تجارت ایران در خلیج فارس داده بود. بر این اساس او ابتدا به دنبال تقویت و گسترش تجارت ایران در خلیج فارس بود. از سوی دیگر یکی از علل توجه اساسی و محوری نادرشاه به خلیج فارس، احیاء تسلط و کنترل ایران بر خلیج فارس بود که با فروپاشی صفویه به شدت دچار آسیب شده بود. در دوران نادرشاه افشار، تجارت ایران در خلیج فارس در ابعاد و سطوح مختلف دارای رونق بود. که از جمله می توان به مبادلات بین المللی کالا و صادرات و واردات به ایران و کشورهای دیگر اشاره کرد. مهم ترین اقلام و کالاهای صادراتی ایران از طریق خلیج فارس در دوره افشاریه عبارت بودند از: پنبه،

غلات، فرش، محصولات چرمی، زعفران، ابریشم، مروارید، اسب، شتر. محصولات و کالاهای نیز به ایران وارد می‌شد که به عنوان نمونه می‌توان به شکر، ادویه، ماهوت، کشتی، چینی آلات، آهن، فولاد، داروجات و انواع بلورجات اشاره کرد (اسدیپور، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

نادر شاه افشار در برخورد با کمپانی‌های هند شرقی هلند و انگلیس سیاستهای منطقی و هدفمندی داشت. نادرشاه ضمن کنترل تمایلات و رفتارهای این شرکتها از ورود آنها به عرصه غیر تجاری با دادن امتیازات تجاری جلوگیری کرد. نادرشاه در باب توجه و حمایت از تجار اروپایی سیاست حکومت صفویه را ادامه داد و از نیروی دریایی آنها در توسعه قدرتش بر خلیج فارس و کرانه‌های آن بهره‌جست (پری، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

عدم تمایل انگلیسی‌ها به همکاری با نادرشاه در تصرف بصره باعث کم رنگ شدن روابط نادرشاه با کمپانی هند شرقی انگلیس شد. هلندی‌ها سرسخت‌ترین رقیب انگلیسی‌ها در خلیج فارس نه تنها پیوندهای نزدیکی با نادرشاه برقرار کردند بلکه کشتی‌های خویش را جهت تسخیر مسقط در اختیار وی گذاشتند.

هلندی‌ها در اثر این همکاری با دولت نادرشاه زمینه فعالیت‌های تجاری خود را هموار نمودند و دفاتر تجاری خود را در اصفهان، شیراز، بوشهر، گنگ و بندرعباس افتتاح نمودند (اسدیپور، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

با قتل نادرشاه افشار در ۱۷۴۷م/ ۱۱۲۶ق، کشور ایران و مناطق تابع آن از شمال تا جنوب خلیج فارس در بحران فرو رفت و خلیج فارس نیز از این بحران بی نصیب نماند. با این حال سیاستها و اقدامات اساسی و هدفمند نادرشاه در خلیج فارس و تقویت تجارت ایران در آن، موجب شد که پس از وی و علیرغم آشوب‌ها و بحرانهای گسترده، کانونها و مراکز تجاری و دریایی ایران در خلیج فارس تا چند سال پس از قتل وی نیز همچنان فعال مانده و باعث تداوم تجارت و بازرگانی باشند. این روند پس از چند سال به علت گستردگی آشوبها و گسترش ابعاد بحران به ویژه بحران امنیتی در ناحیه‌ی سفلا‌ی خلیج فارس باعث رکود تجاری و دریایی بندر عباس شد و در نهایت منجر به خروج دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۷۶۲م از آن کانون مهم تجاری گردید (اسدیپور، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

خروج هلندی‌ها از خلیج فارس و انتقال مرکز تجاری به بصره برای آنها ثمربخش نبود. زیرا به علت اختلاف با حاکم بصره از آنجا اخراج شدند.

هلندی‌ها در جزیره خارک:

بارون کینیپ هاوزن نماینده هلند به بهانه هتک حرمت قوانین و مقررات مذهب اسلام از بصره اخراج شد. بارون پس از مراجعه به باتاویا در اندونزی، به اولیاء کمپانی هند شرقی هلند پیشنهاد کرد که بعضی از جزایر مهم خلیج فارس، از جمله جزیره خارک را به منظور تأمین تجارت هلند و حفظ منافع آن کشور فتح کنند، زیرا جزیره خارک، حاکم تجارت خلیج فارس و بصره بود و بارون قصد داشت، با تسخیر این جزیره، تجارت بصره را فلج کند و انتقام خود را از حاکم بصره بگیرد. این امر، مورد موافقت دولت هلند قرار گرفت و بارون با دو کشتی جنگی حرکت و در سال ۱۷۵۰م/ ۱۱۷۰ق به آسانی جزیره خارک را تصرف کرد و حاکم بندر بوشهر که جزیره خارک جزء قلمرو او بود، پس از مختصر مقاومتی، تسلیم و حاضر شد انحصار

تجارت این جزیره را با حق اقامت به هلندی‌ها واگذار کند. (هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۴۹)

هلندی‌ها با استقرار در جزیره خارک، به ساختن قلاع و استحکامات پرداختند و کمی بعد بندر بصره را محاصره اقتصادی کردند به این معنی که کلید کشتی‌های ترک را که از اقیانوس هند به قصد بصره وارد خلیج فارس می‌شد، متوقف می‌کردند. با مختل شدن تجارت بصره، حاکم این شهر حاضر شد ووجه دریافتی از بارون و همکارانش را باز گرداند. (نیپور، ۱۳۵۴: ۱۷۰)

هلندی‌ها انتقام خود را گرفتند ولی جزیره را ترک نکردند و به مدت یازده سال در جزیره حضور داشتند و با فعالیت شدید خود این جزیره‌ی ویران را به صورت یک مرکز تجاری آباد و با اهمیت و یک انبار برای کالای تجاری خلیج فارس در آوردند. به طوری که جمعیت صدنفره سال ۱۷۵۵م (در سال تسخیر جزیره به دست هلندی‌ها)، یازده سال بعد به یازده هزار نفر بالغ شد. (هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۵۵)

پس از مرگ میر نصیر توسط پسرش میرمهنا که در سال ۱۷۵۴م / ۱۱۶۸ ق رخ داد، شرایط دگرگون شد. هلندی‌ها از پرداخت اجاره بها به «میرمهنا» حاکم بندر ریگ و جزیره خارک خودداری می‌کردند. بین میرمهنا و هلندی‌ها جنگی سخت در گرفت و شجاعت میرمهنا و یارانش به هلندی‌ها شکست سختی داد و تعداد زیادی از آنها کشته شدند و بقیه نیز فرار کردند. میرمهنا بلافاصله جزیره خارک را محاصره کرد و قلعه‌های هلندی‌ها را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. تمام ذخایر و ثروت آنان را ضبط و عده‌ی زیادی را کشت. (شمیم، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

پس از این واقعه نقش هلندی‌ها در خلیج فارس خاتمه یافت و هلندی‌ها «خاک بر سر و آب حسرت بر دیده و آتش غم در دل» از قلعه بیرون شتافته، سر به دایره‌ی انقیاد نهادند» (نامی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

کاهش نفوذ هلندی‌ها تا بدانجا رسید که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی حتی دیپلمات‌های فرانسوی و انگلیسی در بوشهر عهده دار امور دولت هلند در منطقه بودند.

نتیجه گیری:

ظهور صفویان در ایران با حضور پرتغالیها و ناوگان دریایی و نظامی آنها در خلیج فارس مصادف شد. و اقیانوس هند، حکومت صفویه به علل گوناگون از جمله رقابت با عثمانیها، از توجه جدی به امور خلیج فارس غفلت نمود. پرتغالی‌ها با استفاده از این بی توجهی دولت صفوی نسبت به خلیج فارس و نواحی پس کرانه‌ای آن، با تکیه بر نیروی نظامی و ناوگان دریایی خویش تجارت دریایی و دریانوردی در خلیج فارس را تحت انحصار خود درآوردند. در دوران اواخر حکومت شاه عباس اول و در دوران جانشینان او، شرکت‌های تجاری و کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند نقش ویژه‌ای در تجارت دریایی خلیج فارس ایفا نمودند. کمپانی هند شرقی هلند در طی قرن هفدهم میلادی قدرت برتر تجارت دریایی منطقه بود. هلندی‌ها تا اوایل قرن هیجدهم میلادی برتری کاملاً مشهودی بر رقیب دیگر خود شرکت کمپانی هند شرقی انگلیس داشت. هر چه از سالهای قرن هیجدهم می‌گذشت، قدرت کمپانی هند شرقی هلند رو به کاهش گذاشت و انگلیس قدرت بلا منازع تجارت دریایی و سپس نظامی در خلیج فارس شدند. با ظهور نادرشاه افشار تجارت ایران در خلیج فارس شاهد رونق و رواج بود، کمپانی هند شرقی هلند با پشتیبانی

از نادرشاه در جنگ علیه اعراب عمان و گذاشتن کشتی‌های جنگی خود در اختیار این شاه افشار توانستند نظر نادر شاه را به خود جلب کنند. با قتل نادرشاه افشار، کشور ایران و مناطق تابع آن دچار بحران شد. اگر چه سیاستهای هدفمند نادرشاه تا چند سال بعد از او علیرغم آشوب و بحرانهای گسترده کانونهای تجارتی و دریایی ایران در خلیج فارس فعال بودند، اما این روند پس از چند سال به دلیل گسترش بحران و به قدرت رسیدن خاندانهای محلی در ناحیه سفالی خلیج فارس باعث رکود تجاری و دریایی بندر عباس شد و منجر به تعطیلی دفتر کمپانی هند شرقی هلند در آنجا شد. هلندی‌ها پس از اینکه فعالیت بازرگانی خود را به بصره انتقال دادند در آنجا به علت اختلاف نماینده آنها با راون هوزن با حاکم بصره (عثمانی) پس از پرداخت غرامتی که متحمل شدند از آنجا اخراج و به جزیره خارک روی آوردند، هلندی‌ها مدتی در جزیره خارک به تجارت مروارید پرداختند اما پس از مدتی به دلیل اختلاف با حاکم بندر ریگی جزیره خارک (میر مهنا) و شکست از او عملاً سیطره تجاری و بازرگانی خود را از دست دادند و در دوره زندیه تجارت دریایی و بازرگانی خلیج فارس در اختیار انگلیسی‌ها قرار گرفت.

کتابنامه:

- اسدپور، حمید (۱۳۸۷)، تاریخ سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران، توسعه تحقیقات و علوم انسانی.
- الهی، همایون (۱۳۸۶)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر قومس.
- عبدالمیر امین (۱۳۷۰)، منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه‌ی علی رجیبی یزدی، تهران، امیر کبیر.
- بوندارفسکی، گریگوری (۱۳۶۱)، برتری جویان و امپریالیست‌ها در خلیج فارس، ترجمه‌ی مریم زمان زاده، تهران، ابوریحان.
- پری، جان (۱۳۸۲)، کریم خان زند، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، تهران، آسونه.
- رمضانی، عباس (۱۳۸۶)، معاهدات تاریخی ایران، تهران، ترفند.
- سیوری، راجر (۱۳۸۷)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی تهران، انتشارات سحر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۳)، از نادر تا کودتای رضاخان میرپنج، تهران، مدبر.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، هلندیان در جزیره خارک در عصر کریم خان زند، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه، تهران، فرهنگ مکتوب.
- نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق (۱۳۸۶)، تاریخ گیتی شاه در خاندان زند، تحریر و تحشیه علیرضا بیات، تهران، امیر کبیر.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۵)، ایران و جهان از مشروطیت تا پایان قاجار، هران، نشرهما.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت.
- نیبور، کارستین (۱۳۵۴)، سفرنامه، ترجمه پرویز رجیبی، تهران، توکا.
- هدایتی، هادی، تاریخ زندیه (۱۳۳۴) ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۵۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیر کبیر.
- ویلسن، آرنولد (۱۳۶۶)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.